

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

بازتایپ از: لاله

تاریخ حزب کار البانی

انستیتیوی تحقیقات مارکسیستی لنینیستی در جنب کمیته مرکزی حزب کار البانی
چاپ «تعمیم قرآشری» تیرانا ۱۹۶۹

بخش شصت و ششم

۰۹ جنوری- ۲۰۱۵

۵- در هم شکستن مداخله خصمانه رویزیونیست های یوگوسلاوی، افشاء فعالیت ضد حزب گروه کوچی جوجه:

اگر مداخله فاحش رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی در امور داخلی حزب کمونیست البانی و دولت البانی روی نمی داد موفقیت های نخستین سال های پس از رهائی باز هم بزرگتر می شد. مواضعه های خصمانه رهبری مذکور لطمه عظیمی بر ساختمان سوسیالیسم در البانی وارد آورد.

دولت جمهوری توده ئی البانی با پیروی از سیاست انترناسیونالیستی پیگیر حزب کمونیست البانی مبنی بر تحکیم مناسبات برادرانه با اتحاد شوروی و کشور های دموکراسی توده ئی، در جولای ۱۹۴۶ پیمان همکاری و تعاون متقابل با جمهوری فدراتیو توده ئی یوگوسلاوی منعقد ساخت که چند ماه بعد به انعقاد موافقت نامه اقتصادی منجر گردید.

حزب کمونیست البانی به اتحاد خلق البانی با خلق های یوگوسلاوی که دوشادوش یک دیگر با دشمن مشترک و برای هزینه های واحدی جنگیده و خون ریخته بودند به دیده اعتماد می نگریست. حزب عقیده داشت که همکاری نزدیک و کمک متقابل جمهوری توده ئی البانی و جمهوری فدراتیو توده ئی یوگوسلاوی عامل خارجی مهمی در ساختمان سوسیالیسم در البانی، در نگهداری استقلال ملی کشور از مطامع اسارتگر امپریالیست های امریکائی و انگلیسی و چاکران آنها یعنی سلطنت طلبان فاشیست یونانی است.

معدنک دبیرکل حزب و سایر رفقای کمیته مرکزی از مداخلات نمایندگان یوگوسلاوی در امور داخلی حزب و دولت البانی نگران بودند. البته هنوز سوء ظن نداشتند که مداخلات مذکور به دستور و یا با تأیید کمیته مرکزی حزب کمونیست یوگوسلاوی صورت می گیرد و هر بار که دیپلمات ها و نظامیان یوگوسلاوی در البانی در صدد

مداخله در امور داخلی دولت و یا حزب بر می آمدند آنان ضمن ابراز مخالفت می کوشیدند که در عین حال هر گونه سوء تفاهم را مرتفع سازند و هر گونه مانعی را از سر راه مناسبات متقابل دو کشور و دو حزب بردارند. ولی کوشش های آنها با روش ضد مارکسیستی و ضد البانی رهبری یوگوسلاوی برخورد کرد. هدف واقعی این روش که تبلیغات یوگوسلاوی می خواست آن را به مثابه سیاست «کمک برادرانه و بیغرضانه» جلوه دهد عبارت بود از امحای استقلال حزب کمونیست البانی و دولت البانی.

مقاومت حزب کمونیست البانی در برابر مداخله یوگوسلاوی

قراردادهائی که طبق موافقت نامه اقتصادی به امضاء رسیده بود از آغاز ۱۹۴۷ به مرحله عمل در آمد. نخستین اقدامی که در قرارداد های مذکور پیش بینی می شد عبارت بود از برقراری برابری میان پول های دو کشور. کمیته مرکزی حزب و دولت البانی به ابتکار رفیق انور خوجه از همان آغاز با این اقدام به مخالفت اصولی برخاستند زیرا که تعیین برابری حقیقی پول های دو کشور با موانع کثیری روبه رو بود. سطح تکامل اقتصادی، دستمزد زحمتکشان و بهای کالاها در دو کشور بسیار متفاوت بود و نمی شد آنها را در اندک مدتی برابر ساخت. اما رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی اظهار داشت که این مخالفت بی پایه است و حتی آن را نشانه عدم اعتماد به روحیه موافقت نامه به شمار آورد و فشار خویش را ادامه داده برابری لک را با دینار بر معیار های دلخواه و به سود دینار بر قرار ساخت.

اقدام دومی که به عمل آمد توحید قیمت ها بود. در این مورد نیز حزب و دولت البانی ایراداتی داشتند مبنی بر این که ساختمان سرمایه های اساسی صنعت، کشاورزی و سایر رشته های تولید مادی در دو کشور با یک دیگر تفاوت های اساسی دارد. بین بازدهی کار و هزینه های عمومی هر واحد تولید در هر یک از دو کشور نیز اختلاف وجود داشت. رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی این عوامل را بی اهمیت تلقی می کرد و با اعمال فشار قبولاند که برای کالا های دو کشور میزان تراکم مشابهی معین شود و این کالا ها به قیمت داخلی به فروش برسد نه به قیمت بازار بین المللی.

اقدام سوم وحدت گمرکی بود. حزب کمونیست البانی آنچه در قوه داشت به کار برد تا وحدت مذکور موجب تسهیل مبادلات میان دو کشور گردد. اما رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی مضمون موافقت نامه را تحریف می کرد و با اعمال فشار قبولانید که هر بنگاه و یا هر بازرگان خصوصی یوگوسلاوی حق داشته باشد بدون هیچ گونه محدودیتی در بازار البانی کالا به دست آورد و تسعیر آزاد بین دینار و لک البانی برقرار گردد. نتیجه آن شد که بنگاه ها و بازرگانان خصوصی یوگوسلاوی هر چه در بازار البانی یافت می شد حریصانه جمع کردند و کساد بازار ملی موجب وضع بسیار دشواری برای اقتصاد کشور و زحمتکشان گردید. نزدیک شد که تورم جدیدی پیش آید و قیمت ها به طور عموم در بازار آزاد بالا رفت.

کمیسیون خاصی به وجود آمد که نقشه های اقتصادی را با یک دیگر هماهنگی دهد و اجرای سایر قرارداد های اقتصادی را تأمین کند. رهبری یوگوسلاوی خواهان آن بود که حقوق و اختیاراتی به این کمیسیون داده شود که آن را عملاً به صورت دولتی بر بالای دولت البانی در می آورد. این مطالبات از طرف کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی رد شد.

در چارچوب قرارداد های اقتصادی که انعقاد یافته بود شرکت های مختلط البانی - یوگوسلاوی به وجود آمدند که رشته های عمده اقتصاد توده ئی را در بر می گرفتند. شرکت های مذکور ظاهراً بر پایه تساوی تشکیل شده بودند.

ولی در حالی که البانی تمام سهمی را که توافق گشته بود به شرکت ها پرداخت یوگوسلاوی یک شاهی هم سرمایه نگذاشت. به این طریق شرکت ها فقط با سرمایه دولت البانی می چرخیدند اما نیمی از بهره آنها به یوگوسلاوی می رسید.

کلیه این قرارداد ها ناقض بدوی ترین مناسبات میان دو دولت مستقل نیز بود و بالنتیجه لطمات سخت بر جمهوری توده ئی البانی وارد می ساخت.

برای این که اجرای قرارداد های اقتصادی به پیش رانده شود دولت یوگوسلاوی وعده داده بود که اعتباری به مبلغ یک میلیارد لک برای سال ۱۹۴۷ به حساب البانی باز کند. ولی اعتباری که واقعا داده شد به نصف این مبلغ هم نمی رسید. کالا هائی که که بر مبنای اعتبار یوگوسلاوی تحویل داده شد به قیمت هائی دو برابر تا چهار برابر قیمت های بین المللی حساب شده بود. به علاوه از اعتبار فوق استفاده میش د تا بر حزب و دولت البانی اعمال فشار کنند و به این بهانه که حزب و دولت البانی قادر به رهبری رشد طبق نقشه اقتصاد نیستند نسبت به آنها عدم اعتماد بر انگیزند. این امر موانع بسیاری در راه اجرای برنامه سال ۱۹۴۷ که با حساب کمک یوگوسلاوی تنظیم شده بود ایجاد کرد. دولت یوگوسلاوی اعتباراتی را هم که برای سال ۱۹۴۸ به جمهوری توده ئی البانی وعده داده بود، نپرداخت.

دولت البانی برای آن که از عهده مقتضیات برنامه بر آید ناچار شد که کلیه ذخایر خود را از حیث مواد اولیه، مصالح ساختمانی و مایحتاج روزانه مورد بهره برداری قرار دهد. اما ذخایر مذکور کم بود و وضع اقتصادی و مالی کشور رو به وخامت رفت.

رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی در عین حال که کوشش های خود را برای تصرف موانع مهم اقتصادی دنبال می کرد روز به روز بیشتر به دست اندازی بر روی ارتش البانی می پرداخت. رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی که در رهبری سیاسی ارتش البانی تکیه گاه داشت و از آن نیرو می گرفت حملات خود را به ضد ستاد کل و فرمانده آن رفیق محمد شیخو که از مشی صحیح حزب در مسأله نظامی و از استقلال ارتش توده ئی دفاع می کردند، متمرکز ساخت. رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی در مسائل نظامی نیز با مخالفت آن بخش از کمیته مرکزی حزب که از لحاظ ایدئولوژی سالم بود و به وسیله رفیق انور خوجه رهبری می شد، روبه رو گردید.

رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی برای این که مقاومت کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی را در هم شکنند در جون ۱۹۴۷ نامه فتنه انگیزی به آن کمیته ارسال داشت. تیتو دبیر کل حزب کمونیست یوگوسلاوی آشکارا بر کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی تاخته آن را متهم می ساخت که مشی حزب را تحریف می کند.

تیتو مدعی شد که در البانی «مشی دومی که سمت گیری ضد یوگوسلاوی دارد در حال تبلور است». رهبری یوگوسلاوی با پرتاب این اتهام می خواست مواضع خود را که در درون حزب کمونیست البانی تضعیف شده بود تقویت کند و سلاحی به دست عامل خویش کوچی جوجی بدهد تا وی دبیر کل حزب و سایر رفقای رهبری را که نظریات سالمی داشتند و از طرف رهبری یوگوسلاوی به مثابه مسؤولان اصلی اخلال در مشی حزب نمایانده می شدند بزند و بکوبد.

نامه کمیته مرکزی حزب کمونیست یوگوسلاوی در هیأت سیاسی مورد بررسی قرار گرفت. کوچی جوجی و پاندی کریستو اتهام رهبری یوگوسلاوی را نه رد کردند و نه جرأت داشتند که آشکارا از آن جانبداری کنند. هیأت سیاسی اتهام را رد کرد و به رفیق انور خوجه مأموریت داد که به تنظیم جواب به کمیته مرکزی حزب کمونیست یوگوسلاوی بپردازد و متذکر شود که اتهام وی به کلی بی پایه است و مداخله آشکار در امور داخلی حزب کمونیست البانی است.

از این پس وضع بدتر شد. رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی مداخلات خود را در امور داخلی حزب کمونیست البانی افزایش داد و فشار بر وی را تشدید کرد و برای آن که محملی در این کار داشته باشد بهانه های جدیدی تراشید.

در آغاز ۱۹۴۷ کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی رهنمودی به ارگان های دولتی فرستاد که به تنظیم برنامه دو ساله (۱۹۴۸-۱۹۴۹) رشد اقتصادی بپردازند. نقطه حرکت حزب در این کار عبارت بود از وضع واقعی موجود در البانی، امکانات داخلی، سطح بررسی هائی که در این مورد صورت گرفته بود و تجربه ای که ارگان های دولتی در تدارک برنامه میانه مدت به دست آورده بودند.

رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی بدون توجه به این وضع، عنودانه خواستار شد که البانی نیز از روی نمونه یوگوسلاوی به طرح برنامه دراز مدت (پنج ساله) بپردازد. از این هم فراتر رفت و سمت گیری برنامه را نیز برای دولت جمهوری های یوگوسلاوی می شمارد. به موجب سمت گیری مذکور اقتصاد جمهوری توده نی البانی نمی بایست مستقلاً رشد یابد بلکه می بایست در اقتصاد یوگوسلاوی ادغام شود. البانی نمی بایست صنعت خاص ملی خود را ایجاد کند و توسعه دهد بلکه می بایست به تولید مواد اولیه کشاورزی و به استخراج مواد معدنی که در یوگوسلاوی تغییر شکل خواهد یافت، قناعت ورزد. در عوض، البانی از یوگوسلاوی محصولات صنعتی دریافت خواهد داشت. هدف این سمت گیری آن بود که اقتصاد البانی را استثمار کنند، آن را به اقتصاد یوگوسلاوی وابسته گردانند و به صورت ضمیمه اقتصاد یوگوسلاوی در آورند.

کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی این سمت گیری را که به او تلقین می شد بیدرنگ رد کرد. وی تنظیم برنامه پنج ساله را علی الاصول پذیرفت ولی تصویب خود را با رهنمود هائی که به دولت داد همراه ساخت. به موجب رهنمود های مذکور هدف برنامه می بایست عبارت باشد از ایجاد و توسعه صنایع ملی، الکتریفیکاسیون کشور، رشد کشاورزی بر پایه های سوسیالیستی و همچنین تکیه اساسی بر نیروهای داخلی و نیر کمک اتحاد شوروی و کشور های دموکراسی توده نی.

حزب به اقدامات مشخصی دست زد تا مناسبات سیاسی و اقتصادی جمهوری توده نی البانی را با اتحاد شوروی و ممالک دموکراسی توده نی تحکیم و توسعه بخشد. ولی این اقدامات با مخالفت رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی که می خواست البانی را در افراد از اتحاد شوروی و ممالک دموکراسی توده نی نگهدارد، روبه رو شد.

در جولای ۱۹۴۷ یک هیأت نمایندگی دولتی به رهبری رفیق انور خوجه به مسکو رفت تا با دولت شوروی به مذاکره بپردازد. اتحاد شوروی در پایان مذاکره، برای تجهیز کشاورزی البانی با تراکتور و ماشین های کشاورزی دیگر و همچنین برای ساختمان چندین بنگاه صنعتی مهم به جمهوری توده نی البانی اعتبار داد.

رهبری یوگوسلاوی پیمان دوستی، همکاری و کمک متقابل را که بین دو کشور وجود داشت بهانه ساخته کوشید که مانع انعقاد قرارداد با شوروی گردد. وی کار را به جائی رسانید که به وسیله نماینده یوگوسلاوی در مسکو از سفارت البانی خواست که رو نوشت قرار داد را در اختیار او بگذارد و با لحن تهدید آمیزی اخطار کرد که البانی بدون تصویب دولت یوگوسلاوی نباید به انعقاد هیچ موافقت نامه ای دست بزند. دولت البانی به این مداخله جدید در امور داخلی کشور خویش اعتراض کرد.

سمت گیری صحیحی که کمیته مرکزی حزب در مورد تنظیم برنامه به دولت داد و همچنین بازدید هیأت نمایندگی دولتی از مسکو، بهانه ای شد که تیتو اتهام جدیدی علیه حزب کمونیست البانی به راه اندازد. وی در نومبر ۱۹۴۷ دولت البانی را متهم ساخت که گویا برنامه پنجساله غیر واقعی و عزلت طلبانه ای تنظیم کرده است که موجب

جدائی اقتصاد البانی از اقتصاد یوگوسلاوی می شود. وی کمک مادی و معنوی مستقیم اتحاد شوروی را تلویحاً مورد نکوهش قرار داد و رفیق انور خوجه را صریحاً متهم ساخت که سیاست نسبت به یوگوسلاوی را پس از بازگشت از مسکو عوض کرده است. سمت گیری به سوی اتحاد شوروی سمت گیری ضد یوگوسلاوی تلقی شد. به حزب کمونیست البانی نسبت داده شد که اجازه داده است یک جبهه ضد یوگوسلاوی در البانی تشکیل شود و مسؤول وخامت شدید مناسبات میان خلق البانی و خلق های یوگوسلاوی است. و بالاخره به ویژه رفیق ناکواسپیرو به همکاری با دشمن متهم گشت.

این اتهامات جدید ضربه بسیار شدید تازه ای بر حزب کمونیست البانی بود، رهبری حزب را عمیقاً لرزانید و وضع پر تشنجی را که در هیأت سیاسی به وجود آمده بود بسیار وخیم تر گردانیده به فراكسیون کوچی جوجی وسیله داد که حزب را از پایه ویران سازد. در حقیقت کوچی جوجی، پاندی کریستو و کریستو تملکو^۱ پر شور ترین مدافعان تزه های یوگوسلاوی شدند. کوچی جوجی برای آن که رفیق انور خوجه را از هر گونه کمک و پشتیبانی محروم گرداند در جلسه ای از هیأت سیاسی که به منظور بررسی اتهامات تشکیل شد، بعضی از اعضاء را دعوت نکرد. به علاوه کوچی جوجی و پاندی کریستو به جای این که علل مداخله رهبری یوگوسلاوی را فاش سازند و اتهامات به کلی بی اساس را رد کنند به پشتیبانی از آنها برخاستند و بحث ها را بر روی «خیانت» ناکواسپیرو متمرکز ساختند. این فقط مانوری بود برای آن که ضربه سختی را که از طرف رهبری یوگوسلاوی بر حزب کمونیست البانی و دبیر کل آن وارد می آمد و همچنین هدف های رهبری یوگوسلاوی را بپوشانند.

در چنین وضع پر تشنج و در شرایط بسیار دشواری که برای رفیق ناکواسپیرو پیش آمده بود وی نتوانست آن طور که سزاوار کمونیست هاست، محکم بماند و انتحار کرد.

به منظور تحکیم روابط با کشور هائی که به راه سوسیالیسم گام نهاده بودند هیأت نمایندگی دولتی البانی به ریاست رفیق انورخوجه در دسمبر ۱۹۴۷ به صوفیه رفت و قرار داد دوستی، همکاری و کمک متقابل میان جمهوری توده ئی البانی و جمهوری توده ئی بلغارستان را امضاء کرد.

رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی در صدد بر آمد که مانع انعقاد این قرار داد شود و به وسیله کوچی جوجی که عضو هیأت نمایندگی بود کوشید تا متن قرارداد را چنان تنظیم کند که هر گونه اقدام مشترک البانی و بلغارستان وابسته به تأیید قبلی یوگوسلاوی باشد. این مطالبه مصرانه کوچی جوجی رد شد و رهبری یوگوسلاوی که نتوانسته بود مانع عقد قرار داد گردد و روح متقن آن را مختل گرداند به همه وسیله ای متشبث شد تا از ارزش آن بکاهد.

پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست البانی به جانبداری از تحکیم روابط با احزاب کمونیست برادر بر اساس اصول انترناسیونالیسم پرولتری، در اکتوبر ۱۹۴۷ اظهاریه و قطعنامه کنفرانس مشورتی عده ای از احزاب کمونیست و کارگری را که در پایان سپتمبر ۱۹۴۷ در ورشو انعقاد یافته بود و همچنین تشکیل دفتر اطلاعات را که مولود آن کنفرانس بود کاملاً تصویب و تأیید کرد. حزب کمونیست البانی آمادگی خود را اعلام داشت که به مبادله تجربه بپردازد و اقدامات خود را در موارد لازم با احزاب کمونیستی و کارگری برادر هماهنگ سازد. کمیته مرکزی می بایست پذیریش حزب کمونیست البانی را در دفتر اطلاعات به موقع خود تقاضا کند. ادامه دارد...

^۱- کریستو تملکو پس از آن که خیانت رهبری حزب کمونیست یوگوسلاوی در جون ۱۹۴۸ به کلی فاش شد به خطا های خویش معترف گشت و از خود انتقاد کرد.